

## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

علامه بدیع الزمان محمد سعید نورسی فرزند صوفی میرزا حسن نورسی و فاطمه

نور (بانو نوریه) متولد نوس ترکیه مفسر قران . نویسنده و نظریه پرداز اسلام مدرنیته و

موسس دانشگاه الزهرا است . از پیشگامان اندیشه نوین اسلام است .

او یکی از شخصیت های بسیار مهم و در عین حال متعلق به کل جهان اسلام و فرا مذهبی .

فراقومی و فرا ملیتی است .

وی یکی از مشاهیر زعمای اصلاح در عصر جدید و از طلایه داران وحدت اسلامی و تقریب بین

مذاهب اسلامی است .

نام علامه سعید نورسی هم عرض نام بزرگانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی . اقبال

لاهوری . محمدباقر حکیم . شهید صدر ... است .

او علاوه علوم اسلامی و کسب عنوان بدیع الزمان در علوم تجربی . نجوم . ریاضیات .... دارای

تبحر و درجه علمی بود .

زندگی سیاسی و اجتماعی علامه بدیع الزمان سعید نورسی از دو دوره تشکیل شده است .

دوره قبل از جنگ جهانی اول و دوره بعد از جنگ جهانی اول در دوران جنگ جهانی اول وقتی که

دولت عثمانی درگیر جنگ با روس ها و ارمنی ها بود فعالیت های سیاسی و نظامی علامه سعید

## علامه سعید نرسی - سالهای جنگ و اسارت

نرسی با توجه به منابع موجود غیر قابل انکار است . هرچند که در دوره اتاتورک به علت وجود اختلافات سیاسی بین سعید نرسی و اتاتورک رشادت های استاد سعید نرسی کم رنگ نشان داده شد ولی واقعیت امر این است که در دوره جنگ جهانی اول بدیع الزمان سعید نرسی دارای رتبه عالی نظامی ملیس آلبای سعید نرسی و فرمانده استراتژیک جنگ بود . وقتی که با شروع جنگ جهانی اول آلمان بر علیه روسها و نیروهای متحد با دولت عثمانی متحد شد طرح اتحاد جهان اسلام برای مقابله با اشغالگران از جمله روسیه و نیروهای ارمنی در منطقه آذربایجان و آناتولی زایده تفکر سعید نرسی بود . و با حضور در کمسیونه که فتوای جهاد توسط خلیفه محمد پاشا صادر شد برای اولین بار عنوان گردیده بود .

در دوران جنگ جهانی اول ایران علی رغم اینکه اعلام بی طرفی کرده بود ولی عملا ایران در اشغال نیروهای روسیه و انگلیس قرار گرفته بود وقتی که ایران در منطقه آذربایجان در محدوده مرزهای دولت عثمانی تحت اشغال روسها قرار گرفت و اداره ایران عملا به دست روسها افتاد . این مسئله تحدیدی بزرگ برای دولت عثمانی به شما می رفت . ملیس آلبای سعید نرسی به عنوان مامور مخفی و عالیرتبه نظامی مسئول به عهده گرفته بود تا با نفوذ به مرزهای مشترک ایران و عثمانی مسلمانان نقاط مرزی را بر علیه اشغالگران به خصوص روسها و ارمنی ها متحد نماید .

## علامه سعید نرسی - سالهای جنگ و اسارت

در این دوره علی رغم اینکه ایران اعلام بی طرفی کرده بود ولی خان ماکو مرتضی قلی خان معروف به سردار ماکو هر چند که برای تحکیم و ثبات قدرت خود با دولت روسیه دست دوستی فشارده بود ولی از ترس تعرض نیروهای ارمنی و الحاق ماکو به ارمنستان به طور مخفیانه با دولت عثمانی متحد شده بود . سفری که در این فاصله به برلین داشت در ظاهر برای مداوا و خرید مبلمان برای قصر باغچه جوق بود ولی هدف اصلی سفر به آلمان برنامه ریزی برای ایجاد همکاری مخفیانه با دولت عثمانی بود .

فرماندهی برنامه های مخفیانه دولت عثمانی در داخل مرزهای ایران با مسئولیت ملیس آبای سعید نرسی بود . ماموریت در طرف ایران نیز برعهده ابراهیم سلطان یکی از فرماندهان ارشد نظامی سردار ماکو بود . ابراهیم سلطان ماکویی که پهلوان نامدار و فرد ذی نفوذ و مورد امین مردم ماکو و عشایر منطقه از کوههای چالدران یعنی مرزهای ایران عثمانی تا منطقه ارس کنار مرزهای ایران روسیه دارای اقتدار نظامی بود .

علی چاووش نام دیگر علی آراس دوست و یاور آبای سعید نرسی همیشه در رکاب سعید نرسی فعالیت می کرد . در این فعالیت ها نقش پررنگی داشت .

جلسات مخفیانه ایی با روسای عشایر و ایلات در بیلاقات قره کوسه . قره کلیسا . آواجیق چالدران و بیجیک برگزار و قشلاق های دشت زنگنه . ارس کنار و عربلر (پلدشت ) برگزار می گردید مردم

## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

مسلمان بر علیه روسها و ارمنی ها متحد گردیده بودند . شعار اتحاد جهان اسلام بر علیه روسها و ارمنی که یک برنامه استراتژیک بود توسط ملیس آلبای سعید نورسی هدایت می شد . ملیس آلبای سعید نورسی هم در جبهه قفقاز . جبهه وان و جبهه ایران هدایت و فرماندهی استراتژیک داشت .

وقتی که شهرهای مرزی دولت عثمانی مورد تجاوز ارمنی ها و روسها قرار گرفت تن به تن جنگید و زنان و کودکان را به منطق امن منتقل می کرد بسیاری از زنان و کودکان را از کوههای صعب العبور به شهرماکو و روستاهای این منطقه که در معرض جنگ مستقیم نبود هدایت می کرد . که در این مرحله خواهران خود را نیز برای اینکه از تعرض ارمنی ها مصون بمانند به سمت ایران روانه کرده بود ولی متأسفانه در راه یکی از خواهرانش به نام دریه خاتون از کوه سقوط کرده و شهید شده بود ولی **خواهر کوچکش مرجان (خاور)** توسط **علی چاووش هم رزم سعید نورسی**

به سلامت به خاک منطقه مرزی ماکو رسیده بود . که در این اثنی مراقبت از **خواهر کوچک سعید نورسی را ابراهیم سلطان ماکوئی** شخصا تقبل نموده بود و این خواهر کوچک بعدها با **نقدعلی برادرزاده ابراهیم سلطان ازدواج کرده** و تمام حیات خود را در **ماکو استان آذربایجان غربی** گذراند و دارای یک دختر و یک پسر از خود به جا گذاشته است که هر کدام دارای هفت فرزند بوده که نسل وی را در ایران ادامه می دهند .

## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

وقتی که بیتلیس و شهرهای آناتولی به اشغال روسها بود ملیس آلبای در جنگ نظامی با روسها توانسته بود بسیاری از ارتش روسها و ارمنی ها را از پای درآورد وقتی که معاون والی بیتلیس محمود بیگ و فرمانده علی چتین کایا به علت کمبود نیرو و مهمات می خواستند از منطقه جنگ بگریزند و مردم را بی دفاع به امان خود رها کنند ولی سعید نورسی با مخالفت با این تصمیم وارد مبارزه شده بود دفاع را چند روز بیشتر طول داده و بسیاری از مردم بی دفاع را نجات داد .

ولی در نهایت مبارزه از ناحیه شانیه سپس از ناحیه پا زخمی شده و به اسارت روسها درآمد .

روسها سعید نورسی را سوار بر شتر ایرانی ها کرده و از طریق قره کوسه (دوغوبایزید ) به ماکو آورده تا از خط راه آهن جلفا به روسیه منتقل کنند. وقتی که به مرزهای ایران رسیده بود زخمی و نیاز به مداوا داشت علی چاووش خبر اسارت سعید نورسی را به ابراهیم سلطان در ماکو آورده بود از آنجا که نظامیان سردارماکو تحت نظارت روسها اداره می شد ابراهیم سلطان توانسته بود از فرمانده شهری روسها اجازه مداوای اسیران را بگیرد و بدین ترتیب سعید نورسی تا قبل از انتقال به روسیه در بیمارستان تاریخی ارتش ماکو مداوا شد ولی از ناحیه تا از زمان انتقال به روسیه بهبودی کامل نیافته بود در طول یکی دو ماه مداوا در ماکو سعید نورسی باز دست از مبارزه برنداشته بود با همکاری مخفیانه ابراهیم سلطان جهت نماز به مسجد جامع تاریخی ماکو می رفت و با مردم منطقه مباحثه و سخنرانی می کرد و بدین ترتیب ارتش مردمی متشکل

## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

گردیده بود وقتی که توسط روسها راه آهن مسیر جلفا - ماکو - قره کوسه (دوغوبایزید) توسط روسها بدون اخذ مجوز احداث می گردید این خط راه آهن خطر جدی برای دولت عثمانی به شمار می رفت چون هدف از احداث این خط راه آهن انتقال سریع نیروی نظامی روسیه و مهمات بود. با هدایت سعید نورسی و فعالیت های مخفیانه سردار ماکو از گسترش راه توسط مردم منطقه ماکو و سدارس ممانعت بعمل می آمد و در این راه آهن چندین انفجار اتفاق افتاده بود . وقتی که با این عملکرد همکاری مخفیانه سردار ماکو با دولت عثمانی آشکار گردید سردار ماکو نیز توسط روسها به تفلیس منتقل گردید

سعید نورسی بعد از دو سال و نیم دوره اسارت با سقوط دولت تزار روسیه از زندان روسها فرار کرده و خود را به وین رسانده و از آنجا به استانبول آمد بعد از اسارت از انور پاشا مدال افتخار جنگ دریافت نمود .

از آنجا که نورسی دانشمندی است که با بینش متفاوت از جریان سنتی و نیز جریان غرب گرا دارد هر چند که در اجتهاد علمی اش مصلح اجتماعی و یک اسلام گرای مدرن است و تقلید کورکورانه و غرب گرایی مطلق را در حکومت داری قبول نداشته است . بنابراین در حکومت داری مصطفی کمال آتاتورک را به نقد کشید و سرچشمه اختلاف نظر شروع شد . بعد از ده سال اقامت در استانبول انزوا و عبادت را به سیاست ترجیح داد مرحله دوم زندگی اجتماعی و سیاسی بدیع

## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

الزمان سعید نورسی استاد سعید نورسی وقتی که در کوه ارک چالدران سکنی گزید مرحله دوم زندگی وی به دور از لذت های دنیوی شروع گردید و زندگی خود را وقف تدریس و تالیف و عبادت نمود رساله نور را تالیف نمود و شاگردانی تربیت نمود در سال ۱۹۲۵ وقتی عصیان شیخ سعید شروع شد روسای عشایر کرد متشکل شدند .

**حسین پاشا (کور حسین) ریس عشایر حیدرانلو** که نقش پررنگی در جنگ جهانی داشت و از مریدان استاد بدیع الزمان سعید نورسی بود به علت مخالفتهايش با دولت ترکیه کوچانده شده و در منطقه ماکو و خوی ایران سکنی گزیده بودند وقتی عصیان شیخ سعید و عشایر کرد برای استقلال شروع شد حسین پاشا ریس عشایر حیدرانلو در کوه ارک با استاد بدیع الزمان سعید نورسی ملاقات کرد و از ایشان خواست فتوای خیزش صادر کند ولی استاد سعید نورسی موافقت ننمود و این خیزش و عصیان را برادرکشی نامید و حسین پاشا را از این حرکت بر حذر داشت . ولی علی رغم اینکه استاد سعید نورسی از مخالفان عصیان شیخ سعید بود ولی استاد سعید نورسی از گزند دولت حاکم در امان نماند وقتی که می خواستند استاد سعید نورسی را از کوه ارک پایین آورده به زندان ببرند تمام امکانات برای انتقال استاد سعید نورسی به ایران جهت گریز از مهلکه مهیا بود ولی استاد سعید نورسی به این امر تن نداد و ابتدا به بوردور تبعید گردید و پس از ششماه به منطقه بارلای اسپارنا منتقل شد . هشت سال در آنجا زندگی کرد و

## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

رساله نور را آنجا تالیف کرد در سال ۱۹۳۴ اسپار تا رفت . و در سال ۱۹۳۵ همراه با تعدادی از شاگردانش دستگیر و به در دادگاه اسکی شهیر و آغری محاکمه گردید به یکسال حبس محکوم و به کاستامولو تبعید گردید و در سال ۱۹۴۳ دوباره دستگیر و ۹ ماه در دنیزلی زندانی شد . و به کوه امیر ( امیر داغی ) تبعید شد . بعد در سال ۱۹۴۷ مجددا دستگیر و در افیون ۲۰ ماه زندانی شد بعد از روی کار آمدن حزب دموکرات آزادی نسبی پیدا کرد و سفرهای آزادانه خود را شروع کرد و به استانبول و در سال ۱۹۶۰ به شانلی ارورفا سفر کرد و در همان سال در شنلی ارورفا وفات و دفن گردید ولی از علاقه مردم به وی حاکمان دولتی وحشت زده شده و نبش قبر نمود و جنازه استاد سعید نورسی را از شانلی ارورفا توسط برادرش عبدالمجید به مکان نامعلوم منتقل گردید ولی بنا به شواهدی به اسپار تا منتقل شده است .

استاد سعید نورسی تمام عمر خود را در تبعید و اسارت و زندان گذراند و در تمام مدت عمر ازدواج نکرد و از تمام لذت های دنیوی محروم ماند . و از خود فرزندی به جا نگذاشت سالها از دیدن خواهر و برادرش محروم ماند . خانواده سعید نورسی بعد از قانون شناسنامه با اسم خانوادگی اکور ثبت شده است و خود استاد سعید با نام خانواده گی نورسی شناسنامه گرفته است با نام خانواده گی اکور از فرزندان صوفی میرزا حسن پدر سعید نورسی کسی در ترکیه وجود ندارد سعید نورسی سه برادر و سه خواهر داشت یکی از خواهرانش به نام خانم که سعید نورسی



## علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

وی را عالمه خانم می نامید بعد از ازدواج به سوریه رفته بود و فرزند دار نمی شد وقتی که به زیارت کعبه رفته بود شهید شده بود و خواهر دیگرش دریه خاتون در جنگ جهانی اول که از دست روسها و ارمنی ها به سمت مرز ایران فرار می کرد از کوه افتاده و شهید شده بود و تنها پسر دریه خاتون زید در جنگ جهانی اول در رکاب سعید نورسی جنگیده و شهید شده بود خواهر کوچکش مرجان (خاور) که در ایران ازدواج کرده بود یک دختر و یک پسر از خود به جا گذاشته است و نواده گان مرجان (خاور) در ایران زندگی می کنند مرجان در ایران اسم فامیل شوهرش را اختیار کرده و با لقبی که برادرش وی را خطاب می کرد (خاور = منبع خیزش نور) شناسنامه گرفته است. نوه های دختری مرجان (یعنی فرزندان دختر مرجان) در شهر مرزی ماکو و نوه های پسری (فرزندان پسر مرجان) در آنکارا زندگی می کنند. استاد سعید نورسی در بیلاق های کلیسا کندی و کوه های چالدران به سختی فرصت دیدار خواهرش را می یافت و همیشه با حسرت می گفت یک کوه بین من و خواهرم فاصله است ولی امکان دیدار اور را ندارم. برادر کوچکش عبدالمجید که معلم بود دارای فرزندانی بود که یکی از فرزندان افسر نظامی بود عبدالمجید برای اینکه در دوران تحت تعقیب بودن برادرش در امان بماند اسم خانوادگی مغایر با برادرش و خانواده اش انتخاب نموده است و نوه های عبدالمجید با نام خانوادگی اونلوکول در استانبول زندگی می کنند.

علامه سعید نورسی - سالهای جنگ و اسارت

[WWW.SAIDNURSI.IR](http://WWW.SAIDNURSI.IR)

[WWW.SAIDNURSI.IR](http://WWW.SAIDNURSI.IR)